

کودتای ۲۸ مرداد

(۱۶)

کودتای ۲۸ مرداد را می توان بدون کم ترین تعصبی آغازگر مرحله جدیدی دانست که خسارت های بی شمار آن هر روز دامنه وسیع تری می گیرد. برای پیشگیری از خسارت ها یک راه بیشتر نیست. باید به جزئیات تلاش رهبر فقید نهضت ملی ایران و ملی کردن صنایع نفت پی ببریم، آن را بشناسیم تا بتوانیم به دلایل اقدام انگلیس و امریکا در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد پی ببریم. پس از دو مرحله مهم شناخت نهضت ملی و پی بردن به دلایل و شیوه های انجام کودتای ۲۸ مرداد و اهداف نهفته در آن قادر خواهیم شد از تداوم خسارت های روزافزون آن پیش گیری کرده و نهضت ملی را بار دیگر به وجود آوریم.

آقای دکتر فخرالدین عظیمی نتیجه تحقیقات علمی خود را در چنین زمینه ای که در بالا اشاره شد در یک کتاب به نام «حاکمیت ملی و دشمنان آن» منتشر ساخته اند. این کتاب توسط «نشر نگاره آفتاب» در سال ۱۳۸۳ منتشر شده که خواندن آن را به عموم ایران دوستان پیشنهاد می کنیم.

اکنون قسمت بسیار مهمی از این اثر ارزنده و پژوهش علمی را که در بخش ۵ این کتاب به رشته تحریر در آمده در زیر تقدیم می کنیم. این پژوهش مهم را در ۵ یا ۶ بخش منتشر می کنیم تا بتوانیم آن را به دفعات، با حجم کم ضمیمه ای میل های الکترونیکی به یاران این تارنما در درون ایران بفرستیم.

تارنمای «چه باید کرد؟»

محمد حسینی

دوستی های گذرا و دشمنی های پایدار
نهضت ملی ایران

بخش (۵)

ابوالحسن حائری زاده

ابوالحسن حائری زاده

زندگی سیاسی فعال ابوالحسن حائری زاده، روحانی پیشین، در حوالی سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱) آغاز شد. او نماینده زادگاهش، یزد، در مجلسهای چهارم، پنجم و ششم بود. شهرت بعدی او ناشی از عضویت در حزب دموکرات ایران قوام بود که موجب شد او، همانند مکی و بقایی، به مجلس پانزدهم راه یابد. او نیز قوام را، پس از مدتی، رها کرد و دنبال هدفهایی را گرفت که از نظر سیاسی سودمندتر بود. او از اینکه پیوندهای سیاسی خود را در سایه شرایط سیاسی متفاوت تغییر دهد

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۲۸

پرهیزی نداشت. حائری زاده از اعضای بنیانگذار جبهه ملی بود و به نمایندگی در مجلس شانزدهم نیز برگزیده شد. او از نخستین حامیان مصدق بود که آشکارا به داوری و رهبری او خرده گرفت و زبان به اعتراض گشود و سپس به مصدقیان پشت کرد. او مخالفت خود را با اختیاراتی که مصدق پس از ۳۰ تیر به دست آورد پنهان نکرد و با تمدید آن اختیارات، به شدت مخالفت ورزید. پس از آنکه در پی رویدادهای نهم اسفند مصدق ناگزیر شد خانه خود را ترک گوید و به مجلس برود، حائری زاده، بی هیچ پروا و ملاحظه ای، به سختی بر او تاخت. ۳۸ وی در تضعیف نفوذ و اقتدار مصدق در مجلس سهم عمده ای داشت؛ فراکسیون آزادی را پدید آورد که در مصدق ستیزی هیچ درنگی نمی کرد؛ و تلاش خود را بر این متمرکز کرد که مجلس را، به زیان مصدقیان، از کار ببنداند. حائری زاده کرسی خود در مجلس هفدهم را قاطعانه به کار تاخت و تاز بی امان علیه مصدق و زمینه چینی برای برکناری او گرفت. نقش او در مجلس هفدهم به نقش جمال امامی

در مجلس شانزدهم بسیار شبیه بود، اما شباهتهای این دو بیشتر از اینها بود: او به اندازه امامی از نزاکت سیاسی بی بهره بود و همانند او پرخاشگر و ناسزاگو و بی پروا، و شاید از او نیز ناشکیباتر و دژخوتر بود. شاید به سبب همین خصلتها دوستانش از او تصویری دیگر ترسیم کرده اند. مکی در ستایش او از هیچ لاف و گزافی فرو نمی ماند، ولی این ستایشگریها نباید موجب شگفتی شود. مکی حائری زاده را از «نادره مردان روزگار» می نامد و می افزاید: «او انسانی بود مظهر واقعی و مجسم انسانیت. در شجاعت، ثبات قدم، حقیقت گویی، علو طبع،

یاران پیشین: دوستیهای گذرا و دشمنیهای پایدار ۱۲۹

نوع دوستی، آزادیخواهی و صراحت لهجه نظیرش را ندیده ام. از همه اینها مهمتر در دوستی و یکرنگی و بی ریایی همتا نداشت. همین خصوصیتها موجب شد که من روز به روز بیشتر مجذوب این مرد بزرگ تاریخ ایران بلکه تاریخ بشریت بشوم و برای همیشه به دوستی او بر خود ببالم.»^{۳۹} حائری زاده، همانند زاهدی و بسیاری دیگر از مخالفان مصدق، می گفت ایران هیچ غرامتی به شرکت نفت ایران و انگلیس بدهکار نیست و مصدق را به سبب آمادگی برای پرداخت غرامت به سختی سرزنش می کرد.^{۴۰} او ظاهراً آماده بود برای بازرسی از سفارتخانه ها و هیأت های دیپلماتیک ایران به خارج از ایران برود، ولی کاشانی که حضور وی را در تهران و مجلس لازم می دید مانع از آن شد که این مأموریت را بپذیرد.^{۴۱} حائری زاده با زاهدی پیوندهای نزدیکی داشت، او را سخت کوشانه یاری کرد، در جریان تحولاتی که به کودتا انجامید با او همکاری داشت و از نمایندگان بود که پس از شکست مرحله نخستین یا نظامی کودتا، تماسهای پنهان خود را با زاهدی همچنان برقرار نگاه داشت.^{۴۲}

پی نوشتها

۱. محمدعلی موحد، خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، ج ۲ (تهران: ۱۳۷۸/۱۹۹۹)، ص ۷۷۶.
۲. به گزارش سفارت انگلستان، پسران کاشانی، ابوالمعالی و مصطفی، کسب و کار سودآوری را آغاز کرده بودند و «به بازرگانان کمک می کردند تا کالاهایی را که دولت ورود آنها را ممنوع کرده بود از گمرک ترخیص کنند.» Minute by Jackson, February 20, 1952, FO 248/1513. کاشانی از سه همسر دارای ۲۶ فرزند از جمله ۱۲ پسر بود. شمس الدین قنات آبادی که

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۳۰

روزگاری سرسپرده کاشانی و رهبر گروه طرفدار او - مجمع مسلمانان مجاهد - بود، از بین فرزندان کاشانی در آن روزها تنها از مصطفی به نیکی یاد می کند و در وصف فرزند بزرگتر او، محمد، سخنانی تند و موهن به کار می گیرد. نگاه کنید به: سیری در نهضت ملی شدن نفت: خاطرات شمس قنات آبادی (تهران: ۱۳۷۷/۱۹۹۸)، صص ۲۷۱-۲۷۶. مصطفی کاشانی در تلاشهای مصدق ستیزانه درگیری فعال داشت و از کرسی نمایندگی در مجلس هجدهم بهره ور شد. قنات آبادی نیز از همکاران کودتاگران بود و به همین ترتیب به مجلس هجدهم راه یافت؛ او اندکی بعد، از لباس روحانیت و دیگر ظاهر سازیها و نمایشها، به سود پیوندهای نزدیک با دربار، دست برداشت.

3. Henderson to Department of State, June 27, 1952; telegram 5047; 788.00/6-2752.

۴. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به:

F. Azimi, *The Crisis of Democracy*, pp. 291ff.

۵. نامه مصدق به کاشانی، ۶ مرداد ۱۳۳۱ / ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۲. متن در: محمدترکان، نامه‌های مصدق (تهران: ۱۳۷۴/۱۹۹۶)، ج ۱، ص ۲۱۶.

۶. باختر امروز، ۱ و ۵ مهر ۱۳۳۱؛ به گزارش میدلتون شمار زیادی نماینده در خانه کاشانی گرد آمدند و نمایندگان هوادار او، مانند قنات‌آبادی و کریمی، به دولت حمله‌ور شدند.

Middleton to Eden, September 30, 1952, FO 371/98604.

۷. محمد دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیت‌الله کاشانی، ۵ ج (تهران: ۱۳۶۱-۵/۱۹۸۲)، ج ۳، صص ۲۰۶-۲۰۸.

۸. همان، صص ۲۱۳، ۲۰۵؛ نیز نگاه کنید به نامه کاشانی به مصدق، همان، صص ۲۱۰-۲۱۲.

۹. کاظم حسینی، یادداشتهای منتشرنشده، مدخل اسفند ۱۳۳۱ / ۲۰ فوریه ۱۹۵۳. نقل در موحّد، همان، صص ۷۷۵، ۶.

۱۳۱ یاران پیشین: دوستهای گذرا و دشمنهای پایدار

10. CIA Memorandum, prepared for the President, March, 1953; S/P-NSC Files, lot 61D167.

اما قنات‌آبادی آیت‌الله کاشانی را سلطنت‌خواهی حقیقی می‌خواند و می‌گوید: کاشانی می‌گفت پس از تأمل به این نتیجه رسیده‌ام که برای مسلمانان رژیم سلطنتی و «سلطان» از هر رژیمی بهتر و مناسبتر است: سیری در نهضت ملی شدن نفت، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۱۱. کیهان، ۱۰ اسفند ۱۳۳۱؛ دهنوی، همان، ج ۳، ص ۲۷۲. یکی از مقامات وزارت امور خارجه انگلستان نوشت: «اگر سرانجام مصدق دوباره کنترل خود را بر امور بربردار کند کاشانی دستخوش جدّیترین شکست خود تا این هنگام خواهد شد.»

Minute by Rothnie, March 2, 1953, FO 371/104563.

۱۲. در مورد فراکسیونهای پارلمانی نگاه کنید به: جبهه آزادی، ۱ اردیبهشت ۱۳۳۲.

13. Minute by Rothnie, May 11, 1953, FO 371/104565.

14. CIA Memorandum, March 1, 1953.

15. Minute by Rothnie, May 11, 1953, FO 371/104565.

کاشانی پاکسانی که مدعی نمایندگی او بودند، از تماسهایی که به چنین برداشتهایی دامن می‌زد فروگذار نکرده بودند. در مهر ۱۳۳۰ شخصی به نام افتخارالاسلام - که می‌گفت قبلاً داماد آیت‌الله بهبهانی بوده و سپس همسر خواهر کاشانی شده است - در دیداری با مستشار شرفی سفارت انگلستان ابراز آمادگی کرد که اگر مقامات انگلیسی بخواهند با کاشانی گفت‌وگو کنند او ترتیب این کار را بدهد. Minute by Pyman, 15 October, 1951, FO 248/1514.

اینکه آیا این شخص به ابتکار خود به این دیدار دست بازیده بود یا نه روشن نیست. دو ماه پیش از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نیز، به گفته پطروس آبکار (نماینده ارمنیان جنوب در مجلس شانزدهم)، کاشانی فرزند خود را به دیدار قوام فرستاد تا بپرسد اگر نخست‌وزیر شود چه خواهد کرد. قوام ظاهراً گفته بود اگر کاشانی در سیاست دخالت نکند به او کاری نخواهد داشت.

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۳۲

Minute by Jackson, 13 May, 1952, FO 248/1531.

16. Henderson to Department of State, August 11, 1952; telegram 624; 788.00/8-1152.

همچنین نگاه کنید به: طاهر احمدزاده، «تحلیلی از نهضت ملی ایران»، متن در بهرام افراسیابی، مصدق و تاریخ (تهران: ۱۳۶۰/۱۹۸۱)، صص ۲۵۷-۳۳۹، به ویژه صص ۳۲۴-۳۲۶.
۱۷. نگاه کنید به بیانیۀ کاشانی، ۱۵ تیر ۱۳۳۲ / ۶ ژوئیه ۱۹۵۳، در دهنوی، همان، ج ۳، صص ۳۹۵-۳۹۸.

۱۸. برای ارزیابی و سنجشگری مستدلّی از منش سیاسی کاشانی نگاه کنید به: فرهنگ ریمن، «کاشانی و مصدق» جبهۀ آزادی، ۱۶ اردیبهشت - ۶ خرداد ۱۳۳۲.

۱۹. غلامرضا نجاتی (ویراستار)، نضت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازرگان، ج ۲ (تهران: ۱۳۷۷/۱۹۹۸)، ج ۱، ص ۲۹۱.

20. Minute by Middleton, September 22, 1951, FO 248/1531.

۲۱. نجاتی، همان. بازرگان می‌گوید: «مگی در همهٔ امور برای خود حق آمریت قائل بود.»

22. Top secret memorandum, April 7, 1953, FO 371/104564.

۲۳. باختر امروز، ۱۷ خرداد ۱۳۳۲؛ همچنین نگاه کنید به: محمدعلی سفری، قلم و سیاست (تهران: ۱۳۷۱/۱۹۹۲)، ج ۱، صص ۷۸۷-۷۸۸.

۲۴. مثلاً نگاه کنید به: وقایع سی‌تیر: خاطرات سیاسی حسین مگی (تهران: ۱۳۶۸/۱۹۸۹)؛ کودتای ۲۸ مرداد؛ نیز نگاه کنید به: کتاب سیاه (تهران: ۱۳۶۰-۱۳۷۷/۱۹۸۱-۱۹۹۸)، ج ۸.

۲۵. کریم سنجابی، امیدها و ناامیدیها (لندن: ۱۳۶۸/۱۹۸۹)، ص ۱۲۵.

26. FO to New York, November 19, 1952, FO 371/98606.

27. Minute by Rothnie for Director of Military Intelligence, January 17, 1953, FO 371/104561.

۱۳۳ یاران پیشین: دوستیهای گذرا و دشمنیهای پایدار

28. Minute by Rothnie, February 7, 1953, FO 371/104561.

۲۹. نامهٔ سپهبدی، ۲۵ تیر ۱۳۳۱، متن در حسین آبادیان، زندگینامۀ سیاسی دکتر مظفر بقایی (تهران: ۱۳۷۷/۱۹۹۸)، صص ۱۴۲-۱۴۴.

۳۰. هواداران بقایی که افلیت کوچکی را تشکیل می‌دادند تنها توانستند به کمک کسانی که فئات آبادی به یاری آنان فرستاده بود به این کار دست یازند و دفتر مرکزی حزب را در اختیار خود بگیرند، سیری در نهضت ملی شدن نفت، صص ۳۲۲-۳۲۵؛ جلال آل‌احمد، یاور وفادار ملکی، دربارهٔ آنچه گذشته بود نامهٔ گویا و دادخواست‌گونه‌ای به بقایی نوشت؛ نگاه کنید به: نیروی سوم، ۲۶ مهر ۱۳۳۱؛ همچنین در علی دهباشی (ویراستار)، نامه‌های جلال آل‌احمد (تهران: ۱۳۶۷/۱۹۸۸)، صص ۴۳-۴۹.

۳۱. مصاحبۀ عظیمی با بقایی، شهریور ۱۳۵۸، تهران. پشتیبانی پایدار خلیل ملکی از مصدق تلخی بقایی را بیشتر دامن زد. بقایی به نگارنده گفت: «مصدق ملکی را خرید که از او علیه ما استفاده کند.»

۳۲. آبادیان، همان، ص ۱۷۰.

33. Middleton to Ross, October 13, 1952, FO 371/98605.

۳۲. در بهمن ۱۳۳۱ (ژانویه ۱۹۵۲) شاه جهانگیر تفضلی، سردبیر ایران ما، را خواست و او را به سبب حملاتی که به بقایی و حزب زحمتکشان کرده بود «به تلخی سرزنش کرد».

Middleton to Ross, January 28, 1952, FO 248/1531.

حسن امامی (امام جمعه) به یکی از کارکنان سفارت انگلستان گفت بقایی پیش از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با شاه ارتباط داشت و پیوند خود را با او همچنان حفظ کرده است. به گفته امامی «شاه بقایی را همانند سگی برای حمله به دیگران به کار می‌گیرد و در نمی‌یابد که این سگ ممکن است در صورت ضرورت به صاحب خود هم حمله کند».

Minute by S.M. Sajjadi, April 16, 1955, FO 248/1555.

حاکمیت ملی و دشمنان آن

۱۳۴

شاه خود نیز، به روایتی، بقایی را «سگ نازی‌آباد» نامیده که هم به صاحبش حمله می‌کند و هم به دیگران، مکی، خاطرات، ص ۶۰۵.

۳۵. نگاه کنید به: دکتر مظفر بقایی کرمانی در پیشگاه تاریخ (کرمان: ۱۳۵۸/۱۹۷۹).

۳۶. مصاحبه عظیمی با بقایی، شهریور ۱۳۵۸، تهران.

۳۷. نگاه کنید به: شاهد، از فروردین ۱۳۳۲ به بعد. موضوعی که شاهد پیوسته مطرح می‌کرد خطرات کمونیسم یا «شیخ مخوفی» بود که بر کشور سایه انداخته بود: شاهد، ۲۰ فروردین ۱۳۳۲. این روزنامه پراکندن شایعاتی را که به مصدق آسیب می‌رساند بازی کرد. در ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ ادعا کرد آیت‌الله بروجردی قصد دارد در اعتراض به سیاستهای مصدق کشور را ترک گوید. در ۱۸ مرداد فرمان نخست‌وزیری زاهدی را به چاپ رساند و در سرمقاله‌ای مصدق را با هیتلر مقایسه کرد و به جعل کودتا متهم ساخت.

۳۸. باختر امروز، ۱۰ اسفند ۱۳۳۲.

۳۹. مکی، خاطرات، صص ۵۲۱-۵۲۲.

۴۰. حائری‌زاده، نطق در مجلس، مذاکرات مجلس، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲.

41. Henderson to Department of State, March 31, 1953; telegram 3853; 788.00/3-3153.

بر اساس منابع انگلیسی، آیت‌الله بهبهانی از او خواست از پذیرش این مأموریت خودداری کند.

Minute by Rothnie, April, 1953, FO 371/104564.

ظاهراً فاطمی به حائری‌زاده پیشنهاد چنین مأموریتی کرده بود؛ باختر امروز، ۱۰ فروردین ۱۳۳۲. حائری‌زاده را سرانجام زاهدی به این مأموریت فرستاد. او گذشته از این، نماینده دوره هجدهم مجلس نیز شد و تنها کسی از یاران بلندپایه پیشین مصدق بود که چنین پاداشی گرفت.

42. Ardeshir Zahedi, "Five Decisive Days, August 14-18, 1953", Mimeograph, p.3.

پایان